راه‌های شناخت اصلح از دیدگاه قرآن

*** مرتضی شرفخانی**

قرآن برای هر چیزی حکم و برنامه مشخص و معین دارد از این رو بصراحت اعلام می کند تبیان کل شی و بیانگر روشن هر چیزی است. بنابراین، در حوزه رفتار اجتماعی و سیاسی انتخاب افراد برای مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز احکام، دستورها و برنامه‌هایی دارد که شناخت آنها به عنوان یک وظیفه اسلامی برعهده تک‌تک افراد مسلمان است؛ زیرا اگر این مسائل را از دریچه الهی قرآن ننگرند و بدان عمل نکنند، در دنیا و آخرت باید پاسخگوی خداوند باشند. بر همین اساس نویسنده برای تبیین شرایط و راه‌های شناخت افراد اصلح برای مسئولیت‌هایی چون نمایندگی در مجالس خبرگان و شورای اسلامی و دیگر ارگان‌ها و نهادهای جامعه به سراغ آموزه‌های قرآن رفته است تا از دریای معارف این کتاب آسمانی قطره‌ای برگیرد.

مشارکت فعال سیاسی، وظیفه همگانی هر مسلمان

بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن، مشارکت فعال سیاسی، وظیفه همگانی هر مسلمانی است، به طوری که هرگونه بی‌طرفی سیاسی و اجتماعی و عدم حضور فعال در صحنه‌های اجتماعی جامعه، موجب عتاب و عقاب در دنیا و آخرت خواهد بود. به عنوان نمونه خداوند کسانی که به وظیفه اجتماعی خود در حوزه فریضه امر به معروف و نهی از منکر عمل نمی‌کنند و خود را به بی‌خیالی و بی طرفی سیاسی و اجتماعی می‌نند، مجرم دانسته و همان عتاب و عقابی که علیه تارکان معروف و هنجارشکنان و عاملان منکر قرار داده، نصیب و بهره بی‌طرفان می‌کند. خداوند در آیات ۱۶۳ تا ۱۶۵ سوره اعراف با نقل ماجرای اصحاب سبت بیان می‌کند در این جامعه به طور مشخص سه گروه وجود داشتند:

۱. هنجارشکنان و کسانی که قانون ممنوعیت شکار در روز شنبه را دور می‌زدند؛ ۲. کسانی که هیچ موضع‌گیری نسبت به هنجارشکنان نداشته و اعلام موضع بی‌طرفی می‌کردند و در قبال منکرات و هنجارشکنی‌ها سکوت پیشه می‌کرده و موضع بی طرفی داشتند، ۳. کسانی که هنجارشکنان را نهی از منکر کرده و در پاسخ ساکتین فتنه و بی‌طرفان که می‌گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده آنها است، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می‌دهید؟» گفتند: «تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد و شاید که آنان پرهیزگاری کنند. (اعراف، آیه ۱۶۴)

در حقیقت ساکتین، مسئولیت اجتماعی خود را فراموش کرده بودند و مدعی بودند که اگر گناهی انجام می‌شود و علیه قانون هنجارشکنی صورت می‌گیرد، خود قانونگذار و شارع مواخذه و تنبیه و عقاب می‌کند و دیگر نیازی نیست که دیگران در امور اجتماعی و قانونی دخالتی داشته و علیه هنجارشکنان و قانون‌شکنان اعتراضی نمایند و نهی از منکر کنند.

اینان همانند افرادی هستند که در جاهای دیگر می‌گویند: «اگر خداوند می‌خواست خودش به فقیران کمک می‌کرد و نیازی نیست که ما کمکی داشته باشیم و انفاق و صدقه بدهیم، خداوند می‌فرماید: و چون مومنان به آنها گفتند که از آنچه خدا روزی شما قرار داده چیزی برای او به فقیران انفاق کنید، کافران به اهل ایمان جواب دادند آیا ما به کسی که اگر خدا می‌خواست به او هم مانند ما روزی می‌داد اطعام و دستگیری کنیم؟ هرگز نمی‌کنیم شما که به ما نصیحت می‌کنید، پیداست که سخت در راه غلط و گمراهی هستید و راه راست آن است که چنانکه خدا به فقیران احسان نکرده ما هم نکنیم.» (یس، آیه ۴۷)

چنین افرادی که مسئولیت‌های اجتماعی خود را به درستی انجام نمی‌دهند و نسبت به امور جامعه مواضعی نمی‌گیرند و اهل سکوت و بی‌تفاوتی و بی‌خیالی هستند، از نظر قرآن در جرگه گناهکاران هستند. از این رو ساکتین و بی‌تفاوت‌ها در داستان اصحاب سبت، به همان مجازاتی گرفتار شدند که هنجارشکنان و قانون‌شکنان گرفتار شدند و خداوند آنان را با بوزینه شدن مسخ کرد. که خداوند بصراحت از سه گروه تنها یک گروه ناهیان منکر را نجات می‌دهد و می‌فرماید: پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند، کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند، به سزای آنکه نافرمانی می‌کردند، به عذابی شدید گرفتار کردیم. (اعراف، آیه ۱۶۵)

انتخاب اصلح وظیفه اجتماعی مسلمان

از نظر آموزه‌های قرآن، فلسفه و هدف بعثت پیامبران و ارسال رسولان و انزال کتب آسمانی، آگاهی مردم نسبت به حقوق و وظایف خود و مطالبه‌گری نسبت به حقوق عادلانه خود با رهبری اولیای الهی است. خداوند بصراحت می‌فرماید: «ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو فرود آوردیم تا مردم به عدالت برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است. (حدید، آیه ۲۵)

بر اساس این آیه و آیات مشابه، اصولا انسان نسبت به خود و دیگران مسئولیت دارد و از آنجا که زندگی دنیوی برخلاف اخروی، اجتماعی است نه جمعیتی و مجموعی، هرکسی در دنیا مسئول دیگران است؛ چنانکه پیامبر(ص) می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته؛ همه شما حافظ و سرپرستید و همه شما جوابگوی مردم زیردست خود هستید. (منیه المرید، شهید ثانی، ص ۳۸۱؛ صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، ج ۳ ص ۱۴۵۹؛ جامع الاخبار، تاج‌الدین شعیری، ص ۱۱۹ عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ۱، ص ۳۶۴)

این روایت ناظر به آیه ۷۱ سوره توبه است که می‌فرماید: و مردان و زنان با ایمان بر یکدیگر ولایت دوستانه دارند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

این ولایت در میان مومنان یک ولایت متقابل است یعنی برخلاف ولایت پدر بر فرزند، در این موارد هر یک بر دیگری ولایت دارد و مسئولیت اجتماعی آن را اقتضا می‌کند. البته این ولایت از سوی والی اسلام قوی‌تر و روشن‌تر است و حقی است که از نظر امام علی(ع) برترین حقوق بشمار می‌رود.

امام علی(ع) در خطبه‌ای درباره حقوق افراد می‌فرماید: «در بین این حقوق، بزرگترین حقی که خداوند تبارک و تعالی واجب فرموده، حق والی بر رعیت و حق رعیت بر والی است... امر رعیت اصلاح نمی‌شود مگر والی صالح باشد، و والی امرش اصلاح نمی‌شود مگر اینکه رعیت روراست باشد.» (کافی، ج ۸، ص ۳۵۲)

مردم مسلمان موظفند به وظایف اجتماعی خود نسبت به یکدیگر عمل کنند و مشارکت فعال در امور اجتماعی داشته باشند؛ زیرا اگر قیام توده‌های مردم نباشد هرگز عدالت که هدف پیامبران است تحقق نخواهد یافت. در حقیقت این حضور قوی مردم در صحنه اجتماعی و مشارکت فعال آنان است که زمینه تحقق عدالت را فراهم می‌کند. این حضور در صحنه اجتماع باید نه تنها یک حضور معمولی و عادی نباشد، بلکه باید حضوری بسیار قوی و استوار باشد تا امکان اجرای عدالت میسر گردد. از همین رو خداوند فرمان می‌دهد تا مومنان نه به شکل قیام معمولی که در آیه ۲۵ سوره حدید بیان کرده، بلکه به صورت قوی و استوار در صحنه‌های اجتماعی برای تحقق عدل و قسط اقدام کنند. چنانکه می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته و استوار و قوی به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید. و اگر به انحراف گرائید یا اعراض نمائید، قطعا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (نساء، آیه ۱۳۵)

این قوام بودن باید حتی نسبت به دشمنان نیز باشد و کاری نداشته باشیم که آنان دشمن دین و ایمان ما هستند؛ زیرا بدون قوام بودن در قسط نمی‌توان به جهانی از صلح و صفا رسید. از این رو، می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به عدالت برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی، شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (مائده، آیه ۸)

از این آیه به دست می‌آید که اصولا نمی‌توان به تقوا که هدف عبادت است (بقره، آیه ۲۱) جز از راه عدالت رسید. پس اگر کسی می‌خواهد به هدف عبادت یعنی تقوایی که موجب اکرام آدمی دردنیا و آخرت است (حجرات، آیه ۱۳) برسد، باید عدالت را با تمام وجود و پیوسته به جا آورد و حتی در حق دشمن خویش نیز آن را ملاک و معیار قرار دهد.

تفاوت میان آیه ۸ سوره مائده و آیه ۲۵ سوره حدید در آن است که در آیه ۲۵ بر عنصر فراگیری یعنی ناس تاکید شده و بیان می‌شود که هدف از بعثت پیامبران و قوانین الهی در ساختار کتاب و قانون این است که مردم بدون توجه به اسلام و کفر و رنگ و مذهب و نژاد و جنس، نسبت به حقوق خود آگاه شده و قیام برای عدالت کرده و با شمشیر، قسط و سهم خود را بخواهند؛ در حالی که در آیه ۸ تاکید بر این مطلب است که مومنان باید به قیام معمولی بسنده نکنند، زیرا توقع از مؤمنان بیشتر از دیگران است. از اینرو اگر توده‌های مردم قیام به عدالت می‌کنند، مومنان باید همواره و با شدت و حدت بیشتر قیام کنند و در این راه استوار باشند.

بنابراین، مسئولیت یک مسلمان فراتر از مسئولیت‌های مردم غیرمسلمان در صحنه اجتماعی است. حضرت علی(ع) درباره پذیرش مسئولیت خلافت ظاهری به این نکته توجه می‌دهد و می‌فرماید: اگر حضور حاضرین، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکم‌بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، دهنه شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم، و پایان خلافت را با پیمانه خالی اولش سیراب می‌کردم، آن وقت می‌دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از آب بینی بز هم کمتر است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۳، معروف به شقشقیه)

*** انسان می‌تواند از دو روش اصلی برای شناخت اصلح استفاده کند: ۱- تعقل و تفکر در رفتار و گفتار وی؛ به اینکه ببیند چه می‌گوید و چه کاری انجام می‌دهد. ۲- شنیدن از افراد معتمد، به این معنا که شخص ممکن است خودش توانایی و یا وقت یا امکان شناخت و احراز صلاحیت را نداشته باشد، ولی می‌تواند از کسانی که امین و قابل اعتماد هستند به عنوان مرجع تشخیص استفاده کند.**

*** افرادی که مسئولیت‌های اجتماعی خود را به درستی انجام نمی‌دهند و نسبت به امور جامعه مواضعی نمی‌گیرند و اهل سکوت و بی‌تفاوتی و بی‌خیالی هستند، از نظر قرآن در جرگه گناهکاران هستند. از این رو ساکتین و بی‌تفاوت‌ها در داستان اصحاب سبت، به همان مجازاتی گرفتار شدند که هنجارشکنان و قانون‌شکنان گرفتار شدند و خداوند آنان را با بوزینه شدن مسخ کرد.**

ویژگی‌های انتخاب اصلح از نگاه قرآن

یکی از مسئولیت‌های اجتماعی هر مسلمانی، مشارکت فعال در انتخابات است. انسان هر گامی که در این امور برمی‌دارد ثواب و اجر عمل صالح را می‌برد، به ویژه آنکه انتخاب مسئولان در چارچوب قوانین اسلامی و تعیین سرنوشت خود و دیگران است و انتخاب خطا نیز بازتاب خطرناکی خواهد داشت؛ زیرا همان‌طوری که بی‌طرفی و ترک مشارکت گناه است؛ انتخاب غیرصالح نیز گناهی نابخشودنی است؛ چرا که هر عملی که منتخب ملت انجام می‌دهد به پای انتخاب‌کننده نیز نوشته می‌شود و این گونه نیست که تنها منتخب ملت در صورت گناه و قانون‌شکنی و هنجارشکنی عذاب شود، بلکه خیر و شرش گریبانگیر هر دو طرف می شود.

در انتخاب افراد برای مسئولیت‌ها باید اصلح را انتخاب کرد. اصلح دارای دو دسته صفات است: ۱- صفات عمومی؛ ۲- صفات اختصاصی. به سخن دیگر، دسته‌ای از صفات، آن صفاتی است که هر کس باید به عنوان مسئول داشته باشد؛ اما یک دسته از صفات با توجه به خصوصیات مورد و مسئولیت باید در نظر گرفته شود. به عنوان نمونه کسی که در مسند قضاوت قرار می‌گیرد باید یک صفات خاص مانند تخصص در حوزه قضاوت داشته باشد.

صفات عمومی که قرآن برای مسئول درنظر گرفته عبارتند از: ۱- امین و امانت‌دار (نساء، آیه۵۸؛ یوسف، آیه۵۵)؛ ۲- توان جسمی و سلامت بدنی (بقره، آیه۲۴۷)؛ ۳- داشتن علم و آگاهی از مسائل (همان؛ یوسف، آیه۵۵)؛ ۴- توان و قدرت مدیریت و تقسیم کارها و بهره‌مندی از توان دیگران (توبه، آیه۱۲۲)؛ ۵- شایستگی برای مسئولیت پس از احراز از طریق آزمون‌ها (بقره، آیه۱۲۴)؛ ۶- احراز تقوا (اعراف، آیه۱۲۶)؛ یوسف، آیات ۵۶ و ۵۷؛ فرقان، آیه۴۷؛ جاثیه، آیه۱۸؛ نور، آیه۵۵)؛ ۷- اطاعت از رهبری (نساء، آیات۵۹ و ۶۴)؛ ۸- پذیرش حق و سخنان راستین (زمر، آیات ۱۷ و ۱۸؛ محمد، آیات۲ و ۳)؛ ۹- مردمداری (توبه، آیه۶۱)؛ ۱۰- مستکبرستیزی و ظالم‌ستیزی (نساء، آیه۷۵)؛ ۱۱- مخالفت با ستمگری و اجتناب از آن (همان؛ یوسف، آیات۷۸ و ۷۹)؛ ۱۲- مشورت‌پذیری و پرهیز از استبداد در رأی (آل‌عمران، آیه ۱۵۹)؛ ۱۳- احسان و عفو و گذشت نسبت به دیگران (یوسف، آیه۵۶)؛ ۱۴- اهل نماز و برپایی آن (مائده، آیه۵۵)؛ ۱۵- اهل زکات و انفاقات مالی (همان)؛ ۱۶- ایمان (نساء، آیات۱۴۱ و ۱۴۴؛ مائده، آیه۵۵؛ نور، آیه۵۶)؛ ۱۷- اهل بندگی و عبودیت (انبیاء، آیه۱۰۵)؛ ۱۸- صالح و مصلح (همان)؛ ۱۹- اهل اعمال صالح (نور، آیه۵۵)؛ ۲۰- عدالت (ص، آیه۲۶)؛ ۲۱- قاطعیت و شجاعت (آل‌عمران، آیه۱۵۹)؛ همچنین صداقت و سلامت روانی و مانند آنها.

این ویژگی‌ها برای هر مسئولیتی لازم است. اما با توجه به تنوع مسئولیت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، لازم است در انتخاب اصلح برای هر کاری به تخصص وی نیز توجه شود. به عنوان نمونه خداوند بیان می‌کند در مسئله امور نظامی، مسئولیت باید به کسی داده شود که از نظر عقلی و جسمی و مدیریتی و داشتن دانش و تبحر نظامی انسانی قاطع و سالم و قوی و مانند آن باشد که نیازمند چنین مسئولیتی است. به سخن دیگر، افزون بر تعهد، لازم است به تخصص افراد نیز توجه شود. (بقره، آیات ۲۴۶ و ۲۴۷)

همچنین خداوند بیان می‌کند برای مسئولیت مدیریت اقتصادی لازم است که کسی مسئولیت این پست را به دست گیرد که امین و حافظ مال مردم باشد و در مال مردم خیانت نکند. (یوسف، آیات ۵۴ و ۵۵)

راه‌های شناخت اصلح

در آیات قرآن راه‌های چندی برای شناخت افراد بیان شده است. به عنوان نمونه یکی از راه‌های شناخت افراد و احراز صلاحیت آنها، امتحان کردن است که خداوند در آیه ۱۲۴ سوره بقره به آن اشاره کرده است.

راه دیگر شناخت اصلح، تحقیق و تفحص از افرادی است که وی را می‌شناسند.

اصولاً انسان می‌تواند از دو روش اصلی برای شناخت اصلح استفاده کند:

۱- تعقل و تفکر در رفتار و گفتار وی؛ به اینکه ببیند چه می‌گوید و چه کاری انجام می‌دهد. بسیاری از افراد خودشان را در قول و فعل لو می‌دهند و حتی خداوند در آیه ۳۰ سوره محمد(ص) می‌فرماید منافق را می‌توان از لحن گفتارش شناخت. همچنین در روایات بسیاری آمده است که مؤمن مثلاً این چند علامت را دارد و منافق این‌گونه است. شناخت این علائم و نشانه‌ها و تطبیق آن با فرد می‌تواند یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه احراز اصلح بودن شخص باشد؛ ۲- شنیدن از افراد معتمد، از دیگر راه‌های احراز صلاحیت افراد است. به این معنا که شخص ممکن است خودش توانایی و یا وقت یا امکان شناخت و احراز صلاحیت را نداشته باشد، ولی می‌تواند از کسانی که امین و قابل اعتماد هستند به عنوان مرجع تشخیص استفاده کند.

خداوند در آیه ۱۰ سوره ملک می‌فرماید: وقالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر؛ و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم.» انسان می‌تواند از دو راه خود را از آتش دوزخ دور کند و مسئولیت اجتماعی خود را انجام دهد. جالب اینکه خداوند پس از استماع، به مسئله تعقل اشاره می‌کند و از این تأخیر این معنا قابل استنباط است که تنها شنیدن کفایت نمی‌کند بلکه پس از استماع باز باید تعقل کرد و با عقلانیت ملاک‌ها و مطالبی که درباره شخص گفته شده را سنجید و سپس داوری و عمل کرد.

پس همان‌طوری که در مشاوره، اصل، شنیدن و سپس تعقل و انتخاب راه و عزم به انجام است، در این موارد نیز باید این گونه کرد و برای رهایی از هرگونه اشتباه پس از شنیدن و تعقل و عزم بر انجام، بر خداوند توکل کرد تا او را تا آخر در مسیر درست پیش برد و از هرگونه انحراف باز دارد. (آل‌عمران، آیه۱۵۹)

به هرحال، راه‌های احراز صلاحیت برای انتخاب اصلح در دو راه اصلی تعقل و تفکر در گفتار و رفتار اشخاص و یا شنیدن و سپس تعقل در آن است.

بررسی صبر از منظر آیات و روایات

آرمان نادری کمشوری

صبر یکی از نعمت‌هایی می‌باشد که خداوند متعال در وجود انسان قرار داده است. صبر در هر فردی به هر اندازه‌ای وجود دارد امّا استفاده و بکارگیری آن برای هر فردی به یک اندازه مشکل می‌باشد، امّا این سختی و مشکلات بسته به حالتی است که انسان در آن قرار می‌گیرد. مقاله پیش رو با عنوان «بررسی صبر از منظر آیات و احادیث» در نظر دارد تا در درجه اول درباره چیستی صبر، اقسام صبر و فواید صبر مطالبی ارائه کند. و در قدم دوم از صبری که در وجود افراد مؤمن نهفته است، بحث می‌کند. در آخر نیز مطالب دیگری در مورد رجوع انسان به خداوند متعال در هنگام مصیبت ارائه می‌کند.

۱. چیستی صبر

در کتاب «مصباح الشریعه» معنای اصطلاحی صبر چنین بیان شده است: «تَفْسِیرُ الصَّبْرِ مَا یَسْتَمِرُّ مَذَاقُهُ وَ مَا کَانَ عَنِ اضْطِرَابٍ لَا یُسَمّی صَبْراً» (هر چیزی است که تلخ مزه باشد و مقارن اضطراب نباشد، پس هر چه تلخ باشد و مقارن اضطراب باشد او را صبر نمی‌نامند) (مصباح الشریعة، ص۱۸۵)

۲. اقسام صبر

برخی از فضیلت‌های اخلاقی وجود دارند که به قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. صبر نیز یکی از این فضیلت‌ها می‌باشد و بنابر برخی از احادیث به سه بخش و بنابر برخی دیگر به چهار بخش تقسیم می‌شود.

امام علی (ع) درباره اقسام صبر در حدیثی می‌فرمایند: «فَصَبْرٌ عَلَی الْمُصِیبَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِیَةِ وَ صَبْرٌ عَلَی الطَّاعَةِ» (صبر و بردباری سه گونه است: صبر بر مصیبت، صبر بر گناه و نافرمانی، صبر بر اطاعت) (الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج۱، ص ۳۰۲)

صبر بر مصیبت

صبر بر مصیبت یکی از اقسام صبر است که در حدیث بالا ذکر شد. صبر بر مصیبت آن است که انسان بر مشکلات و بلاهایی که متوجه او می‌گردد، صبر کند.

صبر بر گناه

صبر بر گناه یکی دیگر از اقسام صبر است که در حدیث بالا ذکر شد و آن صبری است که انسان به وسیله آن از انجام گناهانی که شیطان آنها را برای انحراف افراد زیبا جلو می‌دهد، اجتناب می‌کند.

صبر بر اطاعت

سومین قسم از صبر که در حدیث امیر المؤمنین(ع) ذکر شد، صبر اطاعت می‌باشد. صبر بر اطاعت عبارت است از صبری که انسان با کمک آن به دستورات الهی عمل کند. مثلاً انسان می‌تواند به وسیله این صبر بر نماز خواندن که یک واجب شرعی است، استمرار بورزد.

امام علی(ع) در حدیثی دیگر صبر را بر چهار قسمت تقسیم کرده و می‌فرماید: «الصَّبْرُ عَلَی أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَی تَبْصِرَةِ الْفِطْنَةِ وَ تَأَوُّلِ الْحِکْمَةِ وَ مَعْرِفَةِ الْعِبْرَةِ وَ سُنَّةِ الْأَوَّلِینَ» (صبر بر چهار شعبه است: بصیرت در فهم و درک، تأویل و تبیین حکمت، شناخت عبرت‌ها، سنن پیشینیان) (کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج۲، ص ۶۱۴)

و در حدیثی دیگر نیز می‌فرمایند: «الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَی مَا تُحِبُّ وَ صَبْرٌ عَلَی مَا تَکْرَهُ» (صبر بر دو گونه است، صبر بر آنچه دوست داری و صبر بر آنچه ناخوش داری) (وسائل الشیعة، ج۱۵، ص۲۳۸)

۳. فواید صبر

از آنجایی که صبر از فضیلت‌های اخلاقی بوده و تمامی فضیلت‌های اخلاقی نیز برای انسان دارای فایده می‌باشند، پس بنابراین، صبر نیز دارای فوایدی می‌باشد که بنابر آنچه که از آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(ع) به دست می‌آید، در اینجا برخی از این فواید ذکر و مطالبی پیرامون آنها مطرح می‌شود.

همراهی خداوند متعال با فرد صابر

یکی از فواید صبر این است که فرد صابر می‌تواند به وسیله صبر خویش، رضایت خداوند متعال را جلب نماید و خداوند به او در پیروزی بر مشکلات کمک نماید.

چنانکه قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از صبر و نماز کمک بجویید، که همانا خداوند با صابران است» (بقره ـ ۱۵۳)

قوی شدن ایمان

صبر بر مصائب یکی از عواملی است که باعث قوی و راسخ‌تر شدن ایمان می‌شود، به طوری که امیر المؤمنین امام علی(ع) صبر را اساس ایمان قرار داده و می‌فرمایند «الْإِیمَانُ بُنِیَ عَلَی أَرْبَعِ دَعَائِمَ عَلَی الْیَقِینِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ» (همانا ایمان بر چهار پایه بنا شده است: یقین و صبر و عدل و جهاد) (بحار الأنوار ج۷۹، ص۱۳۷)

وفای به عهد

یکی از فضیلت‌های اخلاقی وفای به عهد و پیمان می‌باشد و قرآن کریم نیز به این امر توصیه کرده و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها و قراردادهای خود وفا کنید» (مائده ـ ۱)

وفای به عهد از نشانه‌های فرد صابر می‌باشد چنانکه پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «أَمَّا عَلَامَةُ الصَّادِقِ فَأَرْبَعَةٌ یَصْدُقُ فِی قَوْلِهِ وَ یَصْدُقُ وَعْدَ اللَّهِ وَ وَعِیدَهُ وَ یُوفِی بِالْعَهْدِ وَ یَجْتَنِبُ الْغَدْرَ» (راستگو را چهار علامت است: سخن مطابق واقع گوید، نوید و وعید خدا را تصدیق کند، به عهد خود وفا کند، و پیمانش را نشکند) (تحف العقول، ص۲۰)

کاستی مصیبت

یکی از ویژگی‌های صبر این است که باعث کم شدن مصیبت انسان می‌شود. کسی که صبر را بر بی‌قراری ترجیح می‌دهد، مصیبت وی کمتر از زمانی می‌شود که بی‌قرار بوده و همین امر باعث می‌شود که توانایی پیروزی بر مشکلات را پیدا کند.

امام موسی کاظم(ع) درباره کاهش مصیبت به سبب صبر می‌فرمایند: «الْمُصِیبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلْجَازِعِ اثْنَتَانِ» (مصیبت برای شکیبا یکی است و برای بی‌قرار دوتاست) (همان، ص۴۱۴)

پاداش دوبرابر

یکی از فایده‌های صبر این است که خداوند متعال به افراد صابر دو مرتبه پاداش عطا می‌فرماید. چنانکه در سوره مبارکه «قصص» به این امر اشاره شده و می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که بخاطر شکیباییشان، اجر و پاداششان را دو بار دریافت می‌دارند» (قصص ـ ۵۴)

همین امر خود دلالت بر این مطلب دارد که صبر در نزد خداوند متعال بر بسیاری از اعمال نیک دیگر برتری دارد تا آنجا که خداوند متعال اجر و پاداش صبر را دو برابر از بقیه اعمال می‌داند.

رفع بلاها

همانطور که گفته شد صبر یکی از نعمت‌های بسیار بزرگ است که خداوند متعال به انسان عطا فرموده است. یکی از ویژگی‌های این نعمت بزرگ این است که بلاها را از انسان دور می‌گرداند و باعث آسوده شدن انسان از بسیاری از مصیبت‌ها می‌شود.

در کتاب «تصنیف غررالحکم و دررالکلم» از معصومین(ع) در این زمینه روایت شده است که: «الصبر یرفع البلاء» (صبر بلا را رفع می‌کند) (تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص۱۱)

نشانه‌ای برای ایمان باطنی

صبر نشانه‌ای است برای تشخص افرادی که درباره خداوند متعال و جهان آخرت به یقین رسیده‌اند و می‌دانند که تمام پیامبران از جانب خداوند متعال برای هدایت مردم مبعوث شده‌اند.

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «الصَّبْرُ مِنَ الْیَقِینِ» (صبر از یقین می‌باشد) (مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، النص، ص ۲۰ و الحیات[ترجمه احمد آرام]، ج۱، ص۱۷۱)

رستگاری

بسیاری از اعمال وجود دارند که انسان با انجام دادن آنها می‌تواند به درجات بالای معنوی برسد. اما یکی از این اعمال که موجب می‌شود انسان زودتر به مقامات معنوی برسد و رستگار شود، صبر است.

قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبایی ورزید و دیگران را نیز به شکیبایی وادارید و در برابر دشمن پایداری کنید، و مرزداری نمایید، و از خدا پروا کنید شاید رستگار گردید» (آل عمران ـ ۲۰۰)

این آیه سندی بر رستگاری افراد صابر می‌باشد.

صبر بر مصائب یکی از عواملی است که باعث قوی و راسخ‌تر شدن ایمان می‌شود، به طوری که امیر المؤمنین امام علی(ع) صبر را اساس ایمان قرار داده و می‌فرمایند: (همانا ایمان بر چهار پایه بنا شده است: یقین و صبر و عدل و جهاد)

داخل شدن در بهشت

انسان به وسیله صبر بر مصائب می‌تواند در جهان آخرت و در بهشت برین برای خود جایگاهی مهیا کند. چنانکه امام محمد باقر(ع) در این باره می‌فرمایند: «الجنّة محفوفة بالمکاره و الصّبر فمن صبر علی المکاره فی الدّنیا دخل الجنّة» (بهشت را مکاره و ناملایمات فرا گرفته است، پس هر کس در دنیا صبر بر ناملایمات و مکروهات نمود، داخل بهشت می‌شود) (ارمغان شهید[ترجمه مسکن الفؤاد]، ص ۵۲ و الوافی، ج۴، ص ۳۳۴)

پس بنابراین حدیث می‌توان یکی از راه‌های داخل شدن در بهشت را صبر دانست.

مغفرت و آمرزش

مغفرت از جانب خداوند متعال یکی دیگر از فوائد صبر برای انسان می‌باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان (که شهادتین را گفته و عملا تسلیم دین شده‌اند) و مردان مؤمن و زنان مؤمن (که اعتقاد قلبی به اصول و فروع اسلام پیدا کرده‌اند)، و مردان مطیع و خاضع و زنان مطیع و خاضع، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، و مردان فروتن از درون قلب و زنان فروتن از درون قلب، و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده، و مردان روزه‌دار و زنان روزه دار، و مردان حافظ شهوات و زنان حافظ شهوات، و مردان بسیار یادکننده خدا و زنان یادکننده، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است» (احزاب ـ ۳۵)

در این آیه مبارکه افراد صابر همراه با تمامی زنان و مردان مسلمان، مردان و زنان صدقه دهنده، مردان و زنان روزه دار، مردان و زنان حافظ شهوات و مردان و زنان بسیار یادکننده خداوند متعال ذکر شده است و این مطلب خود دلالت بر عظمت و بزرگی صبر دارد.

۴. صبر و شکیبایی از صفات مومن است

مؤمن به معنای کسی است که ایمان آورده باشد و کسی که به خداوند متعال و پیامبر او ایمان آورده باشد، باید دارای صفات خوب و نیکی بوده و با تقوا باشد، زیرا افراد با تقوا هستند که می‌توانند بدون کمی و کاستی به دستورات الهی عمل کنند.

یکی از صفات نیک و برجسته افراد مؤمن و باتقوا داشتن فضیلت صبر می‌باشد چنانکه امام صادق(ع) درباره فرد مؤمن در حدیثی گهربار می‌فرمایند: «یَنْبَغِی لِلْمُؤْمِنِ أَنْ یَکُونَ فِیهِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ شَکُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا یَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَ لَا یَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِی تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِی رَاحَةٍ» (مؤمن را سزاوار است که دارای هشت صفت باشد: ۱- درگرفتاری‌های سخت باوقار و سنگین باشد (خود را نبازد). ۲- هنگام بلا شکیبا باشد. ۳- در نعمت و آسایش سپاس‌گزار باشد. ۴- به آنچه خدا روزیش کرده قانع باشد. ۵- به دشمنان ستم نکند. ۶- بخاطر دوستان مرتکب گناه نشود [کاری را که نتواند بگردن نگیرد]. ۷- تنش از او در زحمت باشد. ۸- مردم از او در آسایش باشند.) (کافی، ج۲، ص ۲۳۱-۲۳۰)

۵. صبر از بزرگواری است

از خصوصیات افراد بزرگوار این است که صفت صبر را در خود دارا می‌باشند. صبر موجب می‌شود که انسان در نزد خداوند متعال عزیزتر گردد و همچنین انسان را در بین افراد جامعه ارزشمندتر می‌گرداند. انسان‌های صبور در زندگی موفق‌تر از بقیه افراد هستند، چرا که در صبر خیر فراوانی نهفته است.

امیر المؤمنین امام علی(ع) در این باره می‌فرمایند: «فَعَلَیْکَ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الْخَیْرَ فِی الصَّبْرِ وَ الصَّبْرَ مِنَ الْکَرَمِ» (بر تو باد به صبر که براستی خیر و خوبی در صبر است، و صبر پیشه کردن از بزرگواری است) (همان، ج۸، ص۲۰۷)

۶. رجوع به باری تعالی هنگام وجود مصیبت

وقتی مصیبتی برای انسان رخ می‌دهد، باید برای توانایی صبر بر این مشکل از خداوند منّان استمداد بجوید. چرا که این خداوند متعال است که انسان را در پیروزی و غلبه بر مشکلات یاری می‌کند. و تنها اوست که می‌تواند انسان را از سیل مصیبت‌ها بیرون بکشد. امام صادق(ع) درباره رجوع انسان به خداوند متعال در هنگام وجود مصیبت می‌فرمایند: «کُلُّ نَازِلَةٍ خَلَتْ أَوَائِلُهَا مِنَ الْإِخْبَاتِ وَ الْإِنَابَةِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَی اللَّهِ فَصَاحِبُهَا جَزُوعٌ غَیْرُ صابِرٍ» (هر گاه مصیبتی و حادثه‌ای بر کسی فرود